

Comparative Evaluation of Opinions of Allamah Tabātabā'ī and Allamah Fadlullah in Explaining the Nature of Ornamentor in the verse Āl-e 'Imrān: 14

Rahman Oshriyeh¹
Abolfazl Sadeghi²
Hamed Oshriyeh³

Received: 14/02/2023

Accepted: 25/06/2023

DOI: 10.22051/TQH.2022.39582.3535

Abstract

Among the titles that have long been drawn into the debates of different commentators of the Holy Qur'an is the explanation of the identity of the subject of adornment in the verse Āl-e 'Imrān: 14 in which adorning people's lusts and love towards women, children, property, horses, cattle, and agriculture is mentioned. To clarify the ornamentor in this verse, researchers put two possible views forward: God and Satan (or carnal soul). Following the verse, Allamah Tabātabā'ī, due to similar verses and the opinions of previous commentators, believed that the ornamentor is Satan, while Allamah Fadlullah criticized him and believed that God would be the subject of ornamentation. Despite conducting research on the issue of comparing the opinions of these commentators, nothing has been done regarding the above-mentioned dispute until now. Therefore, this article, using the descriptive-analytical method, first explains the opinion of Allamah Tabātabā'ī on the verse, and then compares his interpretative opinion with Allamah Fadlullah's. Accordingly, through criticizing and examining the arguments of the two sides, it is concluded that Allamah Fadlullah's criticism of Allamah Tabātabā'ī's is not accepted, but the latter's view is closer to soundness compared to the formers.

Keywords: Āl-e 'Imrān: 14, Ornamentation, Ornamentor, Allamah Tabātabā'ī, Allamah Fadlullah

¹. Associate Professor, Department of Tafsir and Qur'an Sciences, University of Sciences and Teachings of the Holy Qur'an, Qom, Iran. Email: oshriyeh@quran.ac.ir

². PhD Candidate of Comparative Tafsir, University of Sciences and Teachings of the Holy Qur'an, Qom, Iran. The Corresponding Author. Email: sadeghi9610@gmail.com

³. Graduated from Qom Seminary, Level 4, Qom, Iran. Email: fada1404@gmail.com

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام‌الاعلیما)

سال بیست و یکم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، پیاپی ۶۱

مقاله علمی - ترویجی، صص ۸۵-۱۱۰

ارزیابی تطبیقی آراء علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله در تبیین ماهیت فاعل

تزئین در آیه: (زَيَّنَ لِلنَّاسِ حُبَّ الشَّهَوَاتِ)

رحمان عشریه^۱

ابوالفضل صادقی^۲

حامد عشریه^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

DOI: [10.22051/TQH.2022.39582.3535](https://doi.org/10.22051/TQH.2022.39582.3535)

چکیده

از جمله عناوینی که از دیرباز در قرآن کریم، به معرکه آرای گوناگون مفسران کشیده شده، تبیین هویت فاعل زینت‌گری در آیه چهارده سوره آل عمران است که در آن، از موضوع تزئین شهوات و محبت مردم نسبت به زنان، فرزندان، اموال، اسبان، چهارپایان و زراعت، سخن به میان آمده است. در تبیین ماهیت فاعل تزئین، دو احتمال «خدا» و «شیطان» (یا «نفس اماره») مطرح شده است. علامه طباطبایی ذیل آیه، با بررسی آیات مشابه و تبیین آرای مفسران پیشین، فاعل زینت‌گری را شیطان می‌داند. پس از ایشان علامه فضل‌الله، ضمن نقد آراء علامه، فاعل زینت‌گری را خدا دانسته است. علیرغم انجام پژوهش‌هایی با موضوع تطبیق آرای دو مفسر یاد شده، تاکنون پژوهشی پیرامون اختلاف فوق، انجام نشده است؛ از این رو، مقاله حاضر ابتدا با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین نظر علامه طباطبایی ذیل آیه و تطبیق نظر تفسیری ایشان با نظر علامه فضل‌الله پرداخته و در ادامه، با نقد و بررسی ادله طرفین، این نتیجه برای نگارنده حاصل شد که نقدهای علامه فضل‌الله به علامه طباطبایی، ذیل آیه مورد بحث، وارد نبوده و دیدگاه علامه طباطبایی، به صواب نزدیک‌تر است.

واژه‌های کلیدی: آل عمران: ۱۴، زینت، فاعل تزئین، علامه طباطبایی، علامه فضل‌الله.

۱. دانشیار گروه تفسیر و علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. oshryeh@quran.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

sadeghi9610@gmail.com

۳. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران. Fada1404@gmail.com

۱. بیان مسأله و پیشینه تحقیق

از آنجا که قرآن کریم کتاب زندگی است، لذا در تمامی جنبه‌های مربوط به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، خصوصاً جنبه‌های تربیتی و هدایتی مرتبط با حیات بشر سخن رانده و آنها را به‌طور دقیق، تحلیل و بررسی کرده است. از جمله مسائلی که در همین راستا در قرآن کریم بدان اشاره شده، موضوع تزیین است که برگرفته از ماده «ز.ی.ن» و به معنای زینت دادن است. تزیین در قرآن کریم، گاه به خدا (الأنعام: ۱۰۸) و (النمل: ۴)؛ گاه به شیطان (العنکبوت: ۳۸) و (الأنعام: ۴۳) و گاه بدون نسبت فاعلی و به صورت مجهول (آل عمران: ۱۴) و (التوبة: ۳۷) ذکر گردیده است که شرح آن، در ادامه خواهد آمد.

موضوع زینت یافتن شهوات، مال، فرزند و... در وجود انسان، از جمله مباحثی است که خداوند متعال، نسبت به آن در مواضع گوناگونی از قرآن کریم سخن به میان آورده است. می‌توان به عنوان نمونه‌های از آیات زیر یاد نمود: استفاده بندگان از زینت‌ها به عنوان مقصود اصلی از آفرینش این زینت‌های الهی (الأعراف: ۳۲)، ابتلاء و امتحان انسان‌ها (الکهف: ۷)، محرومیت از محبت الهی در اثر زیاده روی در تزیین (الأعراف: ۳۱) و نکوهش تحریم کنندگان زینت‌های الهی (الأعراف: ۳۲).

همچنین برخی از مهم‌ترین ابعاد موضوع تزیین در آیات نورانی قرآن کریم عبارتند از:

الف. ابزار تزیین: زیورآلات (رعد: ۱۷)، ثروت (الکهف: ۴۶)، چهار پایان (النحل: ۸)، ستارگان (الصفات: ۶)، گیاهان (یونس: ۲۴)، حرث و محصولات کشاورزی (آل عمران: ۱۴)، مظاهر طبیعت (الکهف: ۷)، ایمان (الحجرات: ۷)؛ **ب. فاعل تزیین:** خدا (الأنعام: ۱۰۸)، شیطان (عنکبوت: ۳۸)، مجهول (التوبة: ۳۷)؛ **ج. احکام تزیین:** جواز تجمل و آرایش نمودن بندگان به زینت‌های الهی هنگام عبادت (الأعراف: ۳۱)، حرمت آشکار ساختن زینت زن برای نامحرمان و جواز آن برای محرمان (النور: ۳۱) (رک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳ ش، ج ۸، صص ۶۵-۵۲).

موضوعی که مورد واکاوی پژوهش پیش رو قرار گرفته، ارزیابی تطبیقی آرای علامه طباطبایی (در تفسیر المیزان) و علامه فضل‌الله (در تفسیر من وحی القرآن) در خصوص تبیین فاعل تزئین در آیه «زَيَّنَ لِلنَّاسِ حُبَّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ» (آل عمران: ۱۴) است. علامه طباطبایی ذیل آیه، به بررسی روایات و آرای مفسران پیشین در موضوع مورد بحث پرداخته و ضمن ردّ برخی از گفتارها، فاعل تزئین را شیطان می‌داند. پس از ایشان، علامه فضل‌الله، نظر دیگری را مطرح نموده، فاعل تزئین در آیه را خدا دانسته و در نقد آرای علامه طباطبایی و اثبات ادّعای خویش، دلایلی اقامه نموده است. از آنجاکه علامه فضل‌الله در تفسیر خود، موارد بسیاری را به نقد مطالب تفسیر المیزان اختصاص داده است، تحلیل و بررسی آرای تفسیری ایشان، علاوه بر فهم و درک بهتر آیه مورد بحث، قادر است در عیارسنجی ایرادات وی به صاحب المیزان، مؤثر بوده و نکات سودمندی را نیز جهت استفاده قرآن‌پژوهان ارائه نماید. از این رو، پژوهش حاضر به ارزیابی تطبیقی نظرات این دو مفسر معاصر، ذیل آیه فوق‌الذکر می‌پردازد: ابتدا، معنای تزئین و زینت، تبیین شده و گستره کاربرد واژه‌های «زَيَّنَ» و «زَيَّنَ» در آیات نیز مورد تحلیل قرار گرفته و در ادامه، نظرات مفسران فریقین ذیل آیه، دسته‌بندی می‌شود. در پایان، نظر علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله در موضوع مورد بحث، بیان شده و نظرات تفسیری آنان، به صورت تطبیقی، مورد تحلیل و واکاوی، قرار خواهد گرفت.

تاکنون پژوهشی در ارزیابی تطبیقی آرای علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله در تبیین ماهیت فاعل تزئین در آیه مورد بحث، سامان نیافته است و همین موضوع، انگیزه نگارش این جستار گردیده و وجه نوآوری این نوشتار را می‌نمایاند. با این حال، شایسته است، به پژوهش‌هایی چند، در این زمینه اشاره گردد که هر یک به نوعی، به تحلیل و تبیین یک یا چند بُعد از ابعاد و موضوعات مطرح شده در آیه مورد بحث، همت گمارده‌اند؛ پایان‌نامه‌هایی همچون: «تزئین اعمال از منظر قرآن و سنت» از زهرا ناصری و کاظم قاضی زاده (دانشکده علم حدیث قم، ۱۳۹۰ش)؛ «زینت از دیدگاه قرآن» از علی‌محمد میرجلیلی و کمال صحرایی (دانشگاه آیت‌الله حائری میبد، ۱۳۹۳ش)؛

مقالاتی همچون: «تزیین شیطان و تسویل نفس» از مجید معارف و احسان احمدیان (فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۳۹۳ش)؛ «تبیین ماهیت و سنجش تزیین شیطان با تأکید بر نظریات علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی» از علی قنبریان و احسان احمدیان (فصلنامه قرآنی کوثر، ۱۳۹۴ش)؛ «شبکه مفهومی زینت در سنت روایی شیعه» از سید ابوالقاسم حسینی (فصلنامه الهیات هنر، ۱۳۹۶ش)؛ «بررسی سنت تزیین در قرآن و ارتباط آن با سنت‌های دیگر» از طیبه یزدان‌مدد و فاطمه یزدان‌مدد (فصلنامه مشکوة، ۱۳۹۶ش)؛ «واکاوی روایات مناقشه‌برانگیز درباره زنان در تفسیر آیه ۱۴ سوره آل عمران» از سیدمهدی لطفی (فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۹ش)؛ «بررسی مقصود از زینت در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره الأعراف» از مهدی افتخار (فصلنامه مطالعات تفسیری، ۱۳۹۷ش)؛ از آن جمله‌اند.

۲. مفهوم‌شناسی زینت و تزیین

جهت درک بهینه مطالب، شایسته است ابتدا به بررسی مفهوم واژگان تحقیق، پرداخته شود. با توجه به محوریت واژه «زینت» در واکاوی هویت فاعل تزیین در آیه مورد بحث، نگارنده تنها به تحلیل و بررسی واژه «زُيِّنَ» در آیه و تبیین واژه‌های زینت و تزیین، پرداخته و از بررسی دیگر واژگان موجود در آیه، اجتناب می‌کند.

واژه «تزیین» در لغت، به معنای زیبا جلوه‌دادن و ضد زشتی و شین آمده و از ماده «زَان، يَزِينُ» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۰۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۴، ص ۳۷۴) مشتق شده و نیز مترادف واژه «تسویل» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۸۷؛ طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۳۹۹). تسویل یعنی تزیین نفس و جلوه دادن چیزهایی که نفس بر آن‌ها حریص بوده و برای او قُبْح و زشتی را به صورت حُسن و خوبی تصویر نمودن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۷) و نیز به معنای نیکو شدن و مزین نمودن چیزی نزد انسان آمده است، به گونه‌ای که فرد، آن را انجام داده و یا درباره آن سخن گوید (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۵۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۴۲۵) و همچنین

در معانی (شر را دوست داشتنی کردن، ساده انگاشتن و فریب دادن) نیز ذکر گردیده است (انیس و منتصر، ۱۳۸۶ق، ص ۴۶۵).

علاوه بر لغت‌دانان، شماری از مفسران فریقین نیز، «تزیین» را در معنای تحسین نمودن و زیبا جلوه دادن و همچنین «شهوآت» را در معنای رغبت نفس در حصول به اموری خاص (مشتهیات) دانسته‌اند (رک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۷؛ رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۳۹؛ مراغی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۸).
واژه «زینت» نیز در معانی (زینة، آرایش، زیب، آراستن، حلیه، زبرج، پیرایش، پیرایه و زخرف) آمده است (رک: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه زینت). زینت حقیقی، عبارت از امری است که در دنیا و آخرت، هرگز سبب عیب و عار انسان نگردد (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۴، ص ۳۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۸). شایان ذکر است که می‌توان زینت را به اعتباری، به سه قسم، دسته‌بندی نمود: الف. زینت نفسانی: همانند علم و اعتقادات نیک: «حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ» (الحجرات: ۷)؛ ب. زینت بدنی: همانند نیرومندی و بلندقامتی: «مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ» (الأعراف: ۳۲)؛ ج. زینت خارجی: همانند مال و مقام: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ» (القصص: ۷۹) (رک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۹). همچنین به اعتباری دیگر، می‌توان زینت را به دو قسم، تفکیک نمود: الف. زینت مربوط به دنیای مادی: همچون زینت آسمان و زینت زمین؛ ب. زینت مربوط به زندگی انسان و تکالیف او: همچون احکام پنج‌گانه، ایمان، یقین و... (رک: افتخار، ۱۳۹۷ش، ص ۱۲۱).

۳. گستره کاربرد واژگان «زُيِّنَ» و «زَيَّنَ» در قرآن کریم

جهت درک بهتر موضوع، این مجال، به تحلیل و بررسی کاربرد افعال «زُيِّنَ» و «زَيَّنَ»، در آیات قرآن کریم می‌پردازد: نتایج تحقیق و بررسی نگارندگان، حاکی از آن است که واژه «زُيِّنَ»، غیر از آیه مورد بحث، ۹ بار دیگر نیز در آیات قرآن، به کار رفته است که عبارتند از:

الف. «زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ يَزُوقُ مَنْ يَشَاءُ بَعِيرٍ حِسَابٍ» (البقرة: ۲۱۲).

ب. «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الأنعام: ۱۲۲).

ج. «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلُونَهُ عَامًا وَ يَحْرِمُونَهُ عَامًا لِيُؤْطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحْلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (التوبة: ۳۷).

د. «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (يونس: ۱۲).

ه. «أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِيْظَاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَ صَدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (الرعد: ۳۳).

و. «أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (فاطر: ۸).

ز. «أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلَعَ إِلَى إِلِهِ مُوسَى وَ إِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَ صَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَ مَا كِيدٌ لِّفِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ» (غافر: ۳۷).

ك. «أَمْ مَنْ كَانَ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ وَ اتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ» (محمد: ۱۴).

ل. «بَلْ طَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَ زُيِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَ طَنَنْتُمْ ظَنُّ السَّوْءِ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا» (الفتح: ۱۲).

تحلیل و بررسی آیات فوق نشان می‌دهد که این واژه در قرآن، تنها در وصف کافران و مسرفانی همچون فرعون و نیز منافقان معاصر با پیامبر اکرم (ص) به کار رفته است و فاعل تزئین در آنها به شیطان، نفس اماره و یا شیطان صفتان، نسبت داده شده است.

همچنین واژه «زَيْنَ»، شش مرتبه در آیات قرآن کریم، به کار رفته است که عبارتند

از:

الف. «فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنَا تَضَّرَعُوا وَ لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زُيِّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الأنعام: ۴۳).

ب. «وَ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاءَهُمْ لِيُزِدُوهُمْ وَّ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ» (الأنعام: ۱۳۷).

ج. «وَ إِذْ زَيَّنَّا لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ وَ قَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَ إِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (الأنفال: ۴۸).

د. «تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَّا لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ فَهَوَوْا لِآيَاتِهِمْ يَوْمَ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (النحل: ۶۳).

ه. «وَ عَادُوا وَ ثَمُودَ وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَ زَيَّنَّا لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ» (العنكبوت: ۳۸).

و. «وَ جَدَّتْهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيَّنَّا لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (النمل: ۲۴).

تحلیل و بررسی آیات فوق الذکر نیز نشان می‌دهد که این واژه در قرآن کریم، تنها در وصف کافران، مشرکان و منافقان به کار رفته و فاعل تزیین اعمال در آن‌ها، به شیطان نسبت داده شده است.

گفتمنی است که مشتقات دیگر این واژه، همانند (زینة، زینتکم، زینتها، زینت، زینته، زینتا، زینتاها) در آیاتی همچون: (الأعراف: ۳۲)؛ (یونس: ۸۸)؛ (النحل: ۸)؛ (الکهف: ۷)؛ (الکهف: ۲۸)؛ (الأعراف: ۳۱)؛ (القصص: ۶۰)؛ (الاحزاب: ۲۸)؛ (هود: ۱۵)؛ (الحجرات: ۷)؛ (یونس: ۲۴)؛ (النمل: ۴)؛ (العنكبوت: ۳۸)؛ (فصلت: ۱۲)؛ (الصفات: ۶)؛ (الحجر: ۱۶)؛ (ق: ۶) و (الملک: ۵) به کار رفته‌اند. واژگان مترادف با زینت که در قرآن کریم به کار رفته را نیز می‌توان، واژه‌های جمال (النحل: ۶)؛ حلیة (النحل: ۱۴)؛ زُخْرُف (یونس: ۲۴)؛ تَسْوِيل (طه: ۹۶)؛ تَبَرَّج (الاحزاب: ۳۳)؛ حُسْن (الاحزاب: ۵۱)؛ ریش (الأعراف: ۲۶) و حُبُك (الذاریات: ۷) دانست.

۴. تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌های مفسران فریقین

پیش از این که به ارزیابی و نقد نظرات علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله ذیل آیه ۱۴ سوره آل عمران پرداخته شود، شایسته است که نظرات مفسران فریقین، ذیل آیه نیز

مرور گردد تا درک بهتری از ارائه مباحث پیش رو حاصل شود. در خصوص تبیین ماهیت فاعل تزیین در آیه مورد بحث، مفسران فریقین را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم نمود: **گروه اول:** مفسرانی که فاعل تزیین را به خدا نسبت می‌دهند. **گروه دوم:** مفسرانی که فاعل تزیین را شیطان و یا نفس اماره دانسته‌اند. **گروه سوم:** کسانی‌اند که هر دو قول را در این خصوص، صحیح دانسته و به نوعی، قائل به تفصیل گردیده‌اند که شرح آن، در ادامه خواهد آمد.

۴-۱. دیدگاه گروه اول

برخی از مفسران فریقین، فاعل تزیین در آیه را خداوند متعال دانسته‌اند. این گروه معتقدند: این خداست که عشق به فرزندان، مال، ثروت و... را در نهاد آدمی ایجاد نموده تا او را آزمایش کرده و در مسیر تکامل، تربیت و سعادت، پیش برد؛ آن سان که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (الکَهِف: ۷) در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم، تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان، نیکوکارترند. یعنی از این عشق و علاقه، تنها در مسیر خوشبختی و سازندگی بهره گیرند و نه در مسیر فساد و تباهی؛ لذا انسان بایستی به گونه‌ای از این امور بهره گیرد که سبب نابودی و تباهی زندگی اخروی وی نگردد(رک: بلاغی، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۲؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۷۳؛ حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۷۱۳؛ قرشی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۳۲). این گروه، دلایل کسانی را که آیه مورد بحث را با استناد به آیاتی همچون (النمل: ۲۴) مربوط به زینت‌گری شیطان دانسته‌اند، رد می‌کنند(رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۴۵۷؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۴۷). اینان همچنین اشکال کرده‌اند که چگونه شیطان می‌تواند فاعل و ایجادکننده تزیین باشد، درحالی که عمل شیطان، تنها تحریک است و نه ایجاد؛ در واقع، شیطان با القاء در نفس، انسان را در انجام کارهای قبیح برمی‌انگیزاند و هرگز تزیین‌دهنده آن نیست و در هر حال، فاعل مطلق، تنها خداست (بانو امین، بی تا، ج ۳، ص ۵۶). علامه فضل‌الله نیز ذیل آیه ۱۴ سوره آل عمران، این دیدگاه را برگزیده و برای آن، دلایلی اقامه نموده است که شرح آن در بخش بعدی، خواهد آمد.

بیضاوی با اشاره به اینکه خداوند، خالق افعال و انگیزه‌هاست، می‌گوید که شاید خدا، این امور را برای آزمایش انسان‌ها زینت داده و یا این زینت‌ها، وسیله‌ای برای سعادت اخروی کسانی است که از این لذائذ، در جهت رضای الهی بهره‌گیرند و یا اینکه زینت یافتن این لذائذ، به جهت قوام زندگی دنیوی و بقاء نوع بشر است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۸). از دیگر تفاسیر عامّه که خدای متعال را فاعل تزیین دانسته، می‌توان به تفاسیر *ایجاز البیان* و *القرآن العظیم* اشاره نمود (رک: نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۸۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۸).

۲-۴. دیدگاه گروه دوّم

برخی دیگر از مفسران فریقین، فاعل تزیین در آیه را شیطان دانسته و معتقدند که تزیین شیطان، با وسوسه و اغواگری در انجام اعمال قبیح، صورت پذیرفته است (مراغی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۹) و کار شیطان، در اساس، همین بوده و موارد ذکر شده در آیه به نوعی، ریسمان‌های شیطان‌اند (جرجانی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۲). علامه طباطبایی نیز ذیل آیه مورد بحث، همین دیدگاه را برگزیده و برای آن، دلایلی اقامه نموده است که شرح آن در بخش بعدی، خواهد آمد.

نگارندگان پژوهش حاضر برآنند که جلوه کردن دنیا در نظر انسان، گاه از طریق خیالات شخصی صورت می‌گیرد. چنان که فرمود: «زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَأَاهُ حَسَنًا» (فاطر: ۸)، گاه از سوی شیطان است، آن سان که فرمود: «زُيِّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» (النمل: ۲۴) و گاه از طرف اطرافیان متملّق است، چنان که فرمود: «زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ» (غافر: ۳۷). قابل توجه اینکه اگر مصادیق جلوه‌های دنیا در آیه ذکر شده، با توجه به زمان نزول آیه و شرایط حاکم بر فضای نزول بوده ولی می‌تواند در هر زمانی، مصادیق جدیدی داشته باشد (قرائتی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۴۷۸).

۳-۴. دیدگاه گروه سوّم

تعداد قابل شماری از مفسران فریقین نیز فاعل تزیین در آیه شریفه را به اعتباری، خدا و به اعتباری، شیطان (و یا نفس اماره) دانسته و در این خصوص، قائل به تفصیل شده‌اند:

به گزارش برخی از مفسران، در ماهیت زینت‌دهنده، سه قول وجود دارد: اول اینکه: زینت‌دهنده شیطان است که مورد نکوهش خدا واقع شده؛ دوم اینکه: زینت‌دهنده خداست که غرایز یاد شده در آیه را در نهاد بشر قرار داده است تا تکلیف و آزمایش وی سخت‌تر شود، آن سان که فرمود: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِيَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (الکهف: ۷) و سوم اینکه: خدا، زینت‌دهنده امور پسندیده و شیطان، زینت‌دهنده امور ناپسند است (رک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۷۱۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۶۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۰۵؛ ماوردی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۵؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۸۶؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۱).

همچنین شمار قابل توجهی از مفسران فریقین، به بیان دو احتمال استناد فاعل تزئین در آیه مذکور، به خدا و یا شیطان، اهتمام ورزیده‌اند (رک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۲؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۲۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۰۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۷۰). در خصوص دلیل چنین استناداتی، شماری از مفسران معتقدند که تزئین موارد مذکور در آیه، از سوی خدا، به دلیل امتحان مؤمنین و یا عقوبت و خواری کافرین و تزئین از سوی شیطان، به دلیل به انجام رساندن هدف وسوسه و اغواگری او می باشد (رک: سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۹۸؛ ابوحنیفان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۰؛ زحیلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۶۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۶؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۲، ص ۹). بنابراین می‌توان چنین گفت که خدا، خالق افعال و اسباب بوده و هموست که انسان را بر فطرتی متمایل به لذات و شهوات آفریده و بهره‌جستن از این موارد را به خودی خود، بر او حرام نکرده است، اما این شیطان است که با نیرنگ و اغواگری، اعمال ناپسند را برای انسان، نیک و اعمال نیک را برای او، ناپسند جلوه می‌دهد (رک: مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۹؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۳۹). برداشتی که گذشت، از سوی برخی دیگر از مفسران فریقین نیز به اختصار، بیان شده است (رک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۳۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۰۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ص ۲۸ و...).

گفتنی است که پاره‌ای دیگر از مفسران، معتقدند که آیه مورد بحث، اشاره‌ای داشته به برخی از هم‌عصران پیامبر اکرم (ص) همچون یهودیان و آن‌ها را به دلیل وابستگی و محبت فراوان به دنیا، توییخ و سرزنش نموده است (رک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۳۳؛ ابوحنیفان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۳۸).

بایستی اذعان نمود که خداوند متعال، به مقتضای حکمت بالغه خود، از قوای شهویّه، غضبیّه و وهمیّه، آن مقداری که لازمه زندگانی و بقاء حیات دنیوی و نسل آدمی است، در وجود بشر قرار داده و در مقابل، قوه عقل را به او بخشیده و ارسال رُسل نموده تا در مواقع لزوم، از آنها مدد جسته و به حقوق دیگران تعدی نکند، لیکن آنچه سبب افراط و تعدی از حدود شرع و عقل شده و انسان را به ورطه هلاکت می‌کشاند، سه چیز است: دنیا، نفس و شیطان؛ دنیا، خود را جلوه می‌دهد و نفس، انسان را مایل می‌کند و شیطان، وسوسه نموده و وسایل وصل آن را نشان می‌دهد (رک: طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۳، ص ۱۲۵).

بنا بر آنچه گذشت، اگر خداوند، زینت دهنده بدی اعمال تلقی گردد، معنای تزیین، به وجود آوردن فطرت و ذاتی متمایل به این شهوات بوده و هدف از این زینت نیز آزمایش و ابتلاء آدمی است؛ اما اگر زینت دهنده، شیطان باشد، فریفتن و گمراه ساختن انسان‌ها، با لذائذ و جلوه‌هایی، تحقق خواهد یافت که مصادیق آن، در آیه مورد بحث، ذکر گردیده است.

۵. دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی معتقد است در آیه ۱۴ سوره آل عمران، مراد از فاعل تزیین، که متن آیه صراحتی در تبیین ماهیت آن ندارد، خدای سبحان نیست، زیرا هرچند علاقه به شهوات، نسبتی به خدا دارد، لیکن علاقه صالح، به طور استقلال و علاقه غافل‌کننده، به طور اذن، به او مربوط می‌شود؛ البته در آیه شریفه، به خاطر اشتغال بر علاقه‌هایی که یقیناً منسوب به خدا نیست، ادب قرآن کریم اقتضا می‌کند که مخاطب، این جلوه‌گری را به غیر خدا (همچون شیطان و یا نفس اماره) نسبت دهد و از اینجا درستی سخن بعضی از مفسران که فاعل جلوه‌گری را شیطان دانسته‌اند، روشن می‌شود زیرا حب شهوات، امری

ناپسند است و خدا آن را در نظرها زینت نمی‌دهد، همانند حبّ کثرت مال که آن نیز امری مذموم است. آنچه مستند به خداست، حُسن المآب و جنّات است که در آخر این آیه و آیه پسینی، ذکر شده است (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، صص ۹۷-۹۸).

۶. نقد علامه فضل‌الله نسبت به نظر علامه طباطبایی

علامه فضل‌الله، در نقد سخن علامه طباطبایی، بر این باور است که آیه مورد بحث، هرگز ظهوری در معنای فوق ندارد، بلکه در مقام مقایسه نعمت‌های زندگی دنیوی مربوط به احتیاجات حسّی مردم، با نعمت‌های زندگی اخروی وارده شده و نیز درصدد تأکید بر تمایز لذت‌های اخروی و دنیوی بوده و از این روی، تشویق به تقوا نموده و چیزی را طلب می‌نماید که در نزد خدا وجود دارد؛ بدین معنا که راهی برای به دست آوردن بهشت و نعمت‌های آن متصوّر است که هرگز با شهوات دنیایی قابل قیاس نیست و به همین جهت، در آیه بیان نشده است که چگونه انسان‌ها بر این شهوات در خطّ انحراف، ممارست می‌کنند. بنابراین، آیه شریفه در تبیین مطلب دیگری وارد شده و اگر علامه طباطبایی به اعتبار اینکه این آیه درباره سخن گفتن از کفّار بوده، به سیاق اعتماد کند، باز این امر موجب نمی‌شود که این چنین ظهوری را ادّعا کرد، زیرا قرآن کریم دارای روشی است که طبق آن، از موضوعی به موضوع دیگر منتقل می‌شود تا خطوط کلی را در معیار ارزش‌های روحی به نمایش بگذارد و مردم، معیار امور را شناخته و با فضیلت‌ترین آن‌ها را اخذ نمایند (رک: فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۵، صص ۲۶۱-۲۶۰). ایشان سپس در تأیید مطالبی که گذشت، معتقد است که حبّ شهوات، چیزی نیست که مخصوص کافران باشد، بلکه از خصوصیات تمام اصناف انسان‌هاست که در وجود غریزی آنها وجود دارد؛ پس در این آیه، سخن از طبیعت مادی انسان بوده و گویا مراد قرآن، این است که انسان در صراط مستقیمی که خدا برای او اراده نموده حرکت کند، تا او را به بلندای روح، بالا ببرد (فضل‌الله، همان، ص ۲۶۱).

۷. ارزیابی دیدگاه‌ها

از منظر علامه طباطبایی، بین آیه مورد بحث و آیات پس و پیش آن، ارتباط سیاقی برقرار است؛ بدین ترتیب که آیات ۱۴ و ۱۵ به منزله بیان و شرح حقیقت حال مطلب مندرج در آیه ۱۳ آمده است که می‌فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً...» (آل عمران: ۱۳)؛ چه، از آیه ۱۳ چنین برمی‌آید که کفار بر این پندار بوده‌اند که می‌توانند، به سبب برخورداری از اموال و اولاد، از خدا بی‌نیاز گردند و آیه شریفه، بیان می‌کند که علت این پندار، فریب خوردن آنان در برابر تمایلات و لذائذ مادی است از آن رو که کفار از امور آخرت منقطع گردیده و به دنیا روی آورده‌اند، لذا این آیه در مقام مذمت و توبیخ کفار به این رفتار انحرافی بوده و در چنین مقامی، مناسب است به زینتی اشاره گردد که باعث غفلت از خدا باشد و تطبیق ماهیت چنین زینت‌گری به خدای سبحان، دور از ساحت اوست (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، صص ۹۶-۹۵) با این حساب، می‌توان گفت که علامه طباطبایی با عنایت به همین سبک و سیاق که با توبیخ و تحقیر کفار همراه است، خدا را فاعل بی واسطه این فعل نمی‌داند، بلکه با استفاده از روش تفسیری قرآن به قرآن، فاعل «رُزِّينَ» را شیطان دانسته است؛ اما مرحوم فضل‌الله، ضمن ردّ ارتباط سیاق پسینی و پیشینی در آیه مورد بحث، بیان می‌دارد که آیه در مقام مقایسه بین نعمت‌های زندگی دنیوی و اخروی و بیان تمایز آنها بوده است و حبّ شهوات، چیزی نیست که مخصوص کافران باشد، بلکه از خصوصیات تمام اصناف انسان‌ها و جزو طبیعت مادی آنها بوده که در وجود غریزی‌شان نیز وجود دارد؛ پس درواقع، زینت‌دهنده، خداست که این غریزه‌ها را در نهاد بشر، قرار داده است (رک: فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۶۱).

ناگفته نماند که این نظر، مخصوص علامه فضل‌الله نبوده و برخی دیگر از مفسران فریقین نیز این موضوع را تأیید نموده و به تشریح و تفصیل آن اهتمام ورزیده‌اند که گزارش آرای ایشان، پیش‌تر و در بخش مفسران گروه اول، گذشت. حاصل سخنان فضل‌الله و این دسته از مفسران، آن است که خدا، این امور را در غریزه انسان قرار داده و بدین وسیله، زمینه آزمایش انسان را فراهم نموده و عدم فریفته شدن به این امور، سبب می‌شود که انسان به سعادت اخروی برسد و علاوه بر آن، زندگی دنیوی مردم نیز

سامان یافته و حیات نوع انسانی، دوام خواهد یافت؛ بنابراین، اسناد زینت به خدا، هرگز اشکالی را به دنبال ندارد. به عبارت دیگر، این دسته از مفسران معتقدند که زمینه سخن در آیه مورد بحث، بیان طبیعت بشر بوده و حقایق و طبایع اشیاء، تنها مستند به خالق است که شریکی ندارد، چنانکه فرمود: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَنْبَلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (الکهف: ۷).

نگارندگان مقاله حاضر، بر این باورند که علامه طباطبایی، خود به اصل این موضوع واقف بوده و آن را مطلب درستی می‌داند، لیکن با عنایت به قرائنی چند که در ادامه خواهد آمد، وجود چنین معنایی را در آیه مورد بحث، نمی‌پذیرد. ایشان معتقد است نه تنها کفار در علاقه‌مندی به دنیا، مبتکر و اولین علاقه‌مند به آن نیستند، بلکه این شیفتگی از ناحیه دیگری ناشی شده و این خداست که دل‌های ایشان را تسخیر نموده و علاقه به این امور مادی را غریزه آن نموده تا زندگی دنیایی و زمینی آنان تأمین گردد؛ زیرا چنانچه غریزه حب دنیا را در انسان نمی‌نهادند، زندگی او در زمین، دوام نمی‌یافت؛ از این رو، انسان‌ها بایستی زندگی دنیا را وسیله زندگی آخرتی قرار دهند، نه اینکه آن را هدف پنداشته و ماورای آن را فراموش نمایند، چنانکه قرآن فرموده است: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَنْبَلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (الکهف: ۷). اما همین بی‌خبران غافل، وسایل ظاهری الهی را که مقدمات و وسایلی برای بدست آوردن رضوان الله هستند، اموری مستقل پنداشته و خیال کرده‌اند که این امور مادی، می‌تواند ایشان را از خدای سبحان بی‌نیاز سازد و به همین جهت، دنیایی که خلق گردیده تا نعمت و وسیله تقرب و پاداش اخروی آنان باشد، سبب ندمت و عذابشان گردیده است؛ چنانکه قرآن فرموده است: «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ، فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ، مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ، حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ... وَ صَلَّى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (یونس: ۲۸-۳۰) (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۳، ص ۹۶-۹۵).

شایان ذکر است که تزیین و جلوه‌گری دنیا در نظر مردم، دو گونه است: نخست از آن جهت است که بنده، به وسیله دنیا به آخرت برسد و خشنودی خدا را در مواقع مختلف زندگی و با اعمال گوناگون و به کاربردن مال، جاه، اولاد و جان، بدست آورد که

این خود، سلوکی است الهی و پسندیده و خداوند متعال نیز این گونه مشاطه‌گری‌ها را به خودش نسبت داده و در آیه هفتم سوره کهف، از آن سخن گفته است. دیگر جلوه‌گری دنیا در نظر خلق، زینت‌گری دنیا است؛ به این معنی که دل‌ها شیفته دنیا و متوجه آن شده و غافل از ماورای آن گردد و از ذکر خدا بی‌خبر شود که این قسم جلوه‌گری، تصرفی است شیطانی و مذموم که خدای سبحان آن را به شیطان نسبت داده و بندگان خود را از آن، برحذر داشته و فرموده است: «وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الأنعام: ۴۳) و نیز از قول شیطان، حکایت نموده که عرضه داشت: «رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لِأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (الحجر: ۳۹) و در همین راستاست که فرموده است: «زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ» (التوبة: ۳۷). این قسم جلوه‌گری نیز گاهی، از جهتی و در طول نسبتی که به شیطان دارد، به خدا نسبت داده می‌شود و این بدان جهت است که آنچه شیطان و هر سببی از اسباب خیر و یا شر، عمل می‌کنند و هر دخل و تصرفی که در ملک خدا دارند، به اذن اوست، تا اراده خدا و مشیت او نافذ شود و با نفوذ امر او، امر صنع و ایجاد، منتظم گردد و در نتیجه، رستگاران با اراده و اختیار خود، رستگار شوند و مجرمان نیز با سوء اختیار خود، از رستگاران جدا گردند (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۹۷).

علامه طباطبایی در ادامه گفته است: حال باید دید که چرا خدای تعالی، دنیا و آنچه در آن است را در نظر انسان، زینت می‌دهد؟ و آیا قصد او این است که انسان‌ها را با آن، فریب دهد؟ حاشا بر ساحت مقدس او که انسان را به خلاف واقع بیفکند و به او چنین وانمود کند که عوامل دنیایی، مستقل در تأثیرند و زینت دنیا، هدف غایی بشر است. آری، ساحت ربّ علیم و حکیم، والاتر از آن است که امور خلق خود را به گونه‌ای اداره کند که منتهی به غایتی صالح و شایسته نگردد، چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ با اینکه خودش فرمود: «إِنَّ اللَّهَ بِالْعُ أَمْرِهِ» (الطلاق: ۳) و نیز فرمود: «وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ» (یوسف: ۲۱)، بلکه اگر بنا باشد که این گول و فریب را مستند به کسی بدانیم، باید مستند به شیطان بدانیم، چنانکه خدای تعالی فرمود: «وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الأنعام: ۴۳). همچنین فرمود: «وَ إِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» (الأنفال: ۴۸). بله این مقدار را می‌توان مستند به خدا دانست که خدا اجازه چنین فتنه‌گری‌هایی

را به شیطان داده است تا هم خود او به کمال شقاوت خود برسد و هم مسئله آزمایش بندگان، تکمیل شده و زمینه تربیت بشر فراهم گردد، چنانکه فرمود: «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (العنکبوت: ۳-۲) (رک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۹۶).

۸. ارزیابی پایانی؛ رجحان نظر علامه طباطبایی بر علامه فضل الله

نگارندگان مقاله پیش رو بر این باورند که با توجه به آنچه از نظر دو مفسر (علامه طباطبایی و علامه فضل الله) گذشت، آرای علامه طباطبایی، به واقعیت نزدیکتر است، زیرا:

دلیل اول؛ مراجعه به دیگر آیات قرآن کریم، به خوبی نشان می‌دهد که مزین بودن شیطان، مورد اشاره و تأیید قرار گرفته و بیان گردیده که شیطان، آنچه را در زمین است، در چشم پیروانش جلوه و زینت می‌دهد تا آنان را دچار اغوا و اضلال سازد. از جمله آیاتی که چنین نتیجه‌ای را نشان می‌دهند، می‌توان به مواردی همچون: «زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الأنعام: ۴۳)، «قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (الحجر: ۳۹)، «وَ إِذْ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» (الأنفال: ۴۸) و «زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» (النمل: ۲۴) اشاره نمود. همچنین بنا بر آیه «لَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنُهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (الحجرات: ۷)، می‌توان دریافت که خدا، تنها امور پسندیده (مانند ایمان) را برای انسان زینت نموده و محبوب می‌سازد و نه امور ناپسند را (همانند کفر و فسوق و عصیان) که حُبِّ شهوات، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد و تداوم آن مشتبهات، در وجود انسان‌ها باشد.

دلیل دوم؛ چنانچه آیه مورد بحث به سیاق پیشینی خود متصل باشد، از آنجا که آیه قبل، شرح حال کافران است (آل عمران: ۱۳)، همین آیه (آیه ۱۴) را نیز می‌توان در مقام توییح و مذمت کفار دانست، چنانکه برخی از مفسران نیز بدان اشاره نموده اند (رک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹۶؛ مراغی، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۸؛ سبزواری، ۱۴۰۶ق،

ج ۲، ص ۲۰). حتی برخی معتقدند که منظور از «لِلنَّاسِ» در آیه مورد بحث نیز، کافرانند (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۹؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۳۴).

دلیل سوم؛ سیاق آیه مورد بحث که در پی توبیخ و تحقیر شهوت‌گرایان بوده و مذمت حبِّ الشَّهَوَاتِ را مطرح نموده است، نشان می‌دهد که فاعل تزیین حبِّ شهوات، شیطان است و نه خدا (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ج ۱۳، ص ۳۰۲؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۱۱).

دلیل چهارم؛ آیه مورد بحث، مشتمل بر علاقه‌هایی است که یقیناً منسوب به خدا نیست، زیرا در آیه، تعبیر «حُبُّ الشَّهَوَاتِ» و سبک و سیاق تحقیرآمیز دیگر، به چشم می‌خورد و این‌گونه تعبیر، با این مطلب که فاعل «زُيِّنَ» خداوند باشد، منافات دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ج ۱۳، ص ۳۰۲)، چه حبِّ شهوات، امری است ناپسند و خدا، آن را در نظرها زینت نمی‌دهد، لذا ادب قرآن کریم اقتضا می‌کند تا مخاطب، جلوه‌گری چنین اموری را به غیر خدا نسبت دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۹۸). ضمناً جمله «زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ»، از باب تعلیق حکم بر وصف، که مُشعر به علیّت است، ارشاد به این مطلب است که چهره شهوانی زینت، محبوب شما نباشد؛ یعنی چهره ایزاری این امور نکوهیده نیست، زیرا حبِّ مال، طبیعی انسان و امری نیکوست و به خدا منسوب است، لیکن برخی در پی حبِّ شهوت مال هستند که امری اعتباری و قبیح بوده و استناد چنین وصف قبیحی به خداوند، نادرست است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ج ۱۳، ص ۳۰۶). همچنین در این آیه، تعبیر «فَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ» آمده است و چنین حبِّی، تنها شایسته دنیاپرستان و کسانی است که دنیا را قبله و نهایت مقصود خویش قرار داده‌اند و اسناد آن، به خدا (مگر با واسطه و غیرمستقیم)، شایسته نیست (رک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۶۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۹۸).

دلیل پنجم؛ دلیل دیگر، آن است که در آیه، حبِّ شهوات به صورت مطلق بیان گردیده و از این رو، می‌تواند مشتمل بر شهوات حرام نیز باشد که در این صورت، تزیین دهنده شهوات حرام، به یقین، شیطان است (فخر رازی، همان).

دلیل ششم؛ گرچه می‌توان تزیین اعیان خارجی را به خدا نسبت داد، لیکن در آیه مورد بحث، آن دسته از اوصاف نفسانی ذکر شده که در دسترس وسوس شیطانی است،

بنابراین فاعل «زین» شیطان است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ش، ج ۱۳، ص ۳۰۲). زیرا از مجموع آیات و روایات و از موارد مطرح شده در آیه، چنین برمی آید که محبت عادی مال و فرزند، مصداق حبّ الشهوات، به شمار نمی رود؛ بنابراین، بحث اصلی این آیه، اصل خوردن، آشامیدن و... نیست، بلکه سخن از آن، فخر اعتباری است که انسان بر اثر پیروی از شیطان و با انصاف به آن، مُختال می گردد.

دلیل هفتم: قرآن کریم در پایان همین آیه، با بیان «ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»، به نوعی، دنیا را نکوهیده و مذموم دانسته است و این مطلب، با مزین بودن خدای متعال، منافات دارد (رک: قونوی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۵۱؛ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۰).

دلیل هشتم: دلیل دیگر، سیاق پسینی است؛ چه در آیه بعد، فرموده است: «قُلْ أَنْتُمْ كُفْرًا مِنْ دُونِ الْكُفْرِ الَّذِي كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ قَبْلُ» (آل عمران: ۱۵). لذا مقصود از این کلام، برگرداندن بنده از دنیا و تقبیح آن، در چشم اوست و این مطلب، با تزیین دنیا در چشم بنده، سازگار نیست (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۶۱).

نتیجه گیری

چنانکه گذشت، در تبیین ماهیت فاعل تزیین در آیه ۱۴ سوره آل عمران، در بین مفسران فریقین، سه دیدگاه عمده وجود دارد: الف. عده‌ای فاعل تزیین را خدا دانسته اند؛ ب. عده‌ای فاعل تزیین را شیطان و یا نفس اماره دانسته‌اند؛ ج. عده‌ای دیگر نیز هر دو قول را در این خصوص، صحیح دانسته و به نوعی، قائل به تفصیل شده‌اند.

علامه فضل الله معتقد است که فاعل تزیین را بایستی خدای متعال دانست، زیرا این آیه، در مقام مقایسه نعمت‌های زندگی دنیوی (که مربوط به احتیاجات حسی مردم است) و نعمت‌های زندگی اخروی، وارده شده است و نیز در صدد تأکید بر تمایز لذت‌های اخروی و دنیوی است. حبّ شهوات نیز، از خصوصیات تمام اصناف انسان‌هاست که در وجود غریزی آنها وجود دارد.

اما علامه طباطبائی معتقد است، فاعل تزیین در آیه مورد بحث، شیطان و یا نفس اماره است. وی در اثبات ادعای خویش، دلایلی ارائه نموده‌است که نگارندگان مقاله

حاضر، آن دلایل را با اقوال لغویان و نیز مفسران فریقین، تقویت نموده و آرای علامه فضل‌الله را ضعیف برآورد کرده‌اند.

وی معتقد است: خدا، علاقه به امور مادی را غریزه انسان‌ها نموده تا زندگی دنیایی و زمینی ایشان تأمین گردد و انسان‌ها دنیا را وسیله‌ای برای رسیدن به آرامش در زندگی اخروی خود سازند؛ بنابراین، تزیین و جلوه‌گری دنیا بر دو گونه استوار است: يك. وسیله‌ای است برای رسیدن به آرامش اخروی؛ و دوم، وسیله‌ای برای شیفتگی و غفلت از ماورای دنیا و یا دوری از ذکر خداست. بدیهی است که قسم دوم جلوه‌گری، تصرفی است شیطانی و مذموم که خدای سبحان، آن را به شیطان نسبت داده و بندگان خود را از آن، برحذر داشته است. پس باید دانست، علت اینکه گاهی زینت به خدا و گاهی به شیطان نسبت داده شده، همین است. ناگفته نماند که این قسم جلوه‌گری نیز گاهی نه به شیطان، بلکه به خدا نسبت داده می‌شود و آن، از این جهت است که خداوند، خود اجازه چنین فتنه‌گری‌هایی را به شیطان داده است، تا هم خود شیطان، به کمال شقاوت رسد و هم فرآیند آزمایش بندگان، کامل شده و زمینه تربیت بشر، فراهم گردد. دلیل دیگر آن است که هرچند علاقه به شهوات، نسبتی به خدا دارد، لیکن علاقه صحیح و صالح (به طور استقلال) و علاقه مذموم و غافل‌کننده (به نحو اذن) به او مربوط می‌شود. بنابراین، نمی‌توان به خاطر اشتغال آیه بر علایقی که یقیناً منسوب به خدا نیست، جلوه‌گری را به خدا نسبت داد، بلکه ناگزیر، بایستی آن را به غیر خدا (شیطان و یا نفس) نسبت داد، هرچند با واسطه به خدا، مرتبط می‌شود. چنین برداشتی قادر است که بین دو دسته از آیاتی جمع نماید که آشکارا زینت را برخی به خدا و برخی به شیطان نسبت داده‌اند. بنابراین علامه طباطبایی، اصل استناد تمام امور عالم به خدا، که خالق تمام افعال است، و وجود تمام امور به اذن خدا را قبول دارد، لیکن در آیه مورد بحث، به دلیل وجود قرائنی که شرح و تفصیل آن گذشت، فاعل تزیین را شیطان دانسته است که به نظر می‌رسد، دلایل ایشان، جهت چنین ادعایی، کامل بوده و ایرادات علامه فضل‌الله در این موضع، به صاحب‌المیزان، از قوت لازم برخوردار نیست.

منابع

- **قرآن کریم**، (ترجمه محمد مهدی فولادوند).
- ۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). *روح المعانی*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۲. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، ریاض: مکتبة نزار.
- ۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، تحقیق محمود طناخی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ۴. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ۵. ابن عجبیه، احمد (۱۴۱۹ق). *بحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، تحقیق احمد عبدالله، قاهره: نشر زکی.
- ۶. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر.
- ۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۰. ابوحنیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). *بحر المحيط فی التفسیر*، بیروت: دارالفکر.
- ۱۱. افتخار، مهدی (۱۳۹۷ش). بررسی مقصود از زینت در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف، *مطالعات تفسیری*، ۹ (۳۳)، ص ۱۳۶-۱۱۹.
- ۱۲. امین، نصرت بیگم، (بی تا). *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، بی جا: بی نا.
- ۱۳. انیس، ابراهیم و منتصر، عبدالحلیم (۱۳۸۶ق). *المعجم الوسیط*، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۴. بلاغی، محمد جواد (بی تا). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: نشر وجدانی.
- ۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۶. جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ق). *جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)*، تصحیح محدث، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ۱۷. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). *احکام القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش). *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء.

۱۹. حزانى، حسن بن على بن شعبه (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليهم*، تصحيح على اكبر غفارى، قم: انتشارات جامعه مدرّسين.
۲۰. حقى بروسوى، اسماعيل بن مصطفى (بى تا). *تفسير روح البيان*، بيروت: دارالفكر.
۲۱. حوى، سعيد (۱۴۲۴ق). *الاساس فى التفسير*، قاهره: نشر دارالسلام.
۲۲. خازن، على بن محمد (۱۴۱۵ق). *تفسير الخازن (لباب التأويل فى معاني التنزيل)*، بيروت: دارالكتب العلمیة.
۲۳. دهخدا، على اكبر (۱۳۷۷ش). *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. راغب اصفهانی، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات الفاظ قرآن*، بيروت: دارالشامیة.
۲۵. رشيد رضا، محمد (۱۴۱۴ق). *تفسير المنار*، بيروت: دارالمعرفة.
۲۶. رضایى اصفهانی، محمد على (۱۳۸۷ش). *تفسير قرآن مهر*، قم: انتشارات پژوهش های تفسير و علوم قرآن.
۲۷. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق). *التفسير المنير*، دمشق: دارالفكر.
۲۸. زمخشرى، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل*، بيروت: دارالكتاب العربى.
۲۹. سمرقندى، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). *تفسير بحر العلوم*، بيروت: دارالفكر.
۳۰. سيد قطب (۱۴۲۵ق). *فى ظلال القرآن*، بيروت: دارالشروق.
۳۱. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر (۱۴۰۴ق). *الدّر المنثور فى التفسير بالمأثور*، قم: انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
۳۲. شوكانى، محمد (۱۴۱۴ق). *فتح القدير*، دمشق: دار ابن كثير.
۳۳. طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۳۹۰ق). *الميزان فى تفسير القرآن*، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. طبرسى، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البيان فى تفسير القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۳۵. طبرى، محمد بن جرير، ۱۴۱۲ق، *جامع البيان فى تفسير القرآن*، بيروت، دارالمعرفة.
۳۶. طريحي، فخرالدين بن محمد (۱۳۷۵ش). *مجمع البحرين*، تحقيق احمد اشكورى، تهران: نشر مرتضوى.
۳۷. طوسى، محمد بن حسن (بى تا). *التبيان فى تفسير القرآن*، تصحيح احمد عاملى، بيروت: دار احياء التراث العربى.
۳۸. طيب، عبدالحسين (۱۳۶۹ش). *اطيب البيان فى تفسير القرآن*، تهران: انتشارات اسلامى.

۳۹. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*، قم: انتشارات هجرت.
۴۱. فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق). *من وحی القرآن*، بیروت: دارالملاک.
۴۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش). *تفسیر نور*، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۳. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۵ش). *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
۴۴. قرطبی، محمدبن احمد (۱۳۶۴ش). *الجامع لاحکام القرآن*، تهران: نشر ناصر خسرو.
۴۵. قونوی، اسماعیل بن محمد (۱۴۲۲ق). *حاشیه القونوی علی تفسیر الامام البیضاوی*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۶. کاشانی، فتح الله (بی تا). *منهج الصادقین*، تهران: کتابفروشی اسلامی.
۴۷. ماوردی، علی بن محمد (بی تا). *النکت و العیون*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۴۸. مراغی، احمد مصطفی (بی تا). *تفسیر المراغی*، بیروت: دارالفکر.
۴۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۰. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). *تفسیر الکاشف*، قم: دارالکتب اسلامی.
۵۱. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۵۳. موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۰۹ق). *مواهب الزحمان فی تفسیر القرآن*، بی جا: بی نا.
۵۴. موسوی همدانی، محمد باقر (۱۳۷۴ش). *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: انتشارات جامعه مدرّسین.
۵۵. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش). *کشف الأسرار و عدة الأبرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)*، چاپ پنجم، تهران: نشر امیرکبیر.
۵۶. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن (۱۴۱۵ق). *ایجاز البیان عن معانی القرآن*، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۵۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۳ش). *فرهنگ قرآن*، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.

References

- *The Holy Qur'an*, [Persian translation: Mohammad Mahdi Fouladvand].
- 1. Ālousī, Mahmoud bin Abdullah (1415 AH). *Rouh al-Ma'ānī*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīya. [In Arabic]
- 2. Ibn Abi Hātam Rādī, Abd al-Rahman ibn Mohammad (1419 AH). *Tafsir al-Qur'an al-'Azīm*, Riyad: Maktabat al-Nizar. [In Arabic]
- 3. Ibn 'Athīr Jazarī, Mubarak bin Mohammad (1988). *Al-Nihāyah fī Qarīb al-Hadith wal-'Athar*, [researched by Mahmoud Tanākhū,] Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
- 4. Ibn 'Ashour, Mohammad Tāhir (AH). *Tafsir al-Tahrīr wa al-Tanwīr*, Beirut: Al-Ta'rūkh al-Arabi Institute. [In Arabic]
- 5. Ibn 'Ujaibah, Ahmad (1419 AH). *Bahr al-Madīd fī Tafsir al-Qur'an al-Majīd*, [researched by Ahmad Abdullah,] Cairo: Zaki Publications. [In Arabic]
- 6. Ibn 'Atīyyah, Abdul Haq bin Ghalib (1422 AH). *Muharrar al-Wajīz*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīyyah. [In Arabic]
- 7. Ibn Kathīr, Ismail Ibn Umar (1419 AH). *Tafsir al-Qur'an al-'Azīm*, [researched by Shams al-Din,] Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmīyyah. [In Arabic]
- 8. Ibn Manzoor, Mohammad Ibn Mukrim (1414 AH). *Lisān al-Arab*, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- 9. Abul Futouh Radī, Hossein bin Ali (1408 AH). *Rawd al-Janān wa rouh al-Jinān*, Mashhad: Astan Quds Razawi Publishing House. [In Arabic]
- 10. Abu Hayyān Andalusī, Mohammad Ibn Yusuf (1420 AH). *Bahr al-Muhīt fī al-Tafsir*, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- 11. Iftikhar, Mahdi (2018). Examining the meaning of intention in verses 31 and 32 of Surah A'rāf, *Tafsir Studies*, 33: pp. 119-136. [In Persian]
- 12. Amin, Nusrat Begum (nd). *Tafsir Makhzan al-'Irfān*, NP. [In Persian]
- 13. Anis, Ibrahim and Mantaser, Abdul Halim (1386 AH). *Al-Mujam al-Wasīt*, 4th ed. Tehran: Islamic Culture Publishing House. [In Arabic]
- 14. Balāghī, Mohammad Jawad (nd). *Ālā' al-Rahman fī Tafsir al-Qur'an*, Qom: Vojdani Publishing House. [In Arabic]
- 15. Baydāwī, Abdullah bin Omar (1418 AH). *'Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Ta'wīl*, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- 16. Jurjānī, Hossein bin Hassan (1378 AH). *Jilā' al-Adhhān wa Jalā' al-Ahzān (Tafsir Gāzur)*. [edited by Muhaddith]. Tehran: Tehran University Publishing. [In Arabic]

17. Jassās, Ahmad bin Ali (1405 AH). *Ahkām Al-Qur'an*, Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turūth al-'Arabī. [In Arabic]
18. Javadi Amoli, Abdullah (2006), *Tafsir e Tasnim*. The Commentary of Tasnim, Qom: Isrā' Publishing House. [In Persian]
19. Harrūnī, Hassan bin Ali bin Shu'ba (1404 AH). *Tuhaf al-'Uqoul*, [edited by Ali Akbar Ghaffari,] Qom: Qom Seminary Teachers Association Publications. [In Arabic]
20. Haqqī Burusuy, Ismail bin Mustafa (nd). *Tafsir Rouh al-Bayan*, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
21. Hawwā, Saeed (1424 AH). *Al-'Asās fī al-Tafsir*, Cairo: Dar al-Salam Publishing. [In Arabic]
22. Khāzin, Ali ibn Mohammad (1415 AH). *Tafsir al-Khāzin (Lubab al-Ta'wīl fī Ma'ānī al-Tanzīl)*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
23. Dekhoda, Ali Akbar (1998). *Dictionary*, Tehran: Tehran University Publications. [In Persian]
24. Rāghib Esfahānī, Hossein bin Muhammad (1412 AH). *Mufradāt Al-fāz al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Shāmīya. [In Arabic]
25. Rashid Reza, Mohammad (1414 AH). *Tafsir al-Manār*, Beirut: Dar al-Ma'rafa. [In Arabic]
26. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali (2008). *Tafsir-e Qur'an-e Mehr*, Qom: Researches of Tafsir and Sciences of the Qur'an. [In Persian]
27. Zuhailī, Wahaba (1411 AH). *Al-Tafsir al-Munīr*, Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
28. Zamakhsharī, Mahmoud bin Omar (1407 AH). *Al-Kashshāf an Haqayiq al-Tanzil wa 'Uyoun al-Aqawil fī wojouh al-Tawil*, Beirut: Dar al-Kitāb al-Arabi. [In Arabic]
29. Samarghandī, Nasr bin Mohammad (1416 AH). *Tafsir Bahr al-'Uloum*, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
30. Sayed Qutb (1425 AH). *Fī Zilāl al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Shurouq. [In Arabic]
31. Suyoutī, Abd al-Rahman bin Abi Bakr (1404 AH). *Al-Durr al-Manthour fī al-Tafsir be al-Māthur*, Qom: Ayatollah Mar'ashī Najafī Library Publications. [In Arabic]
32. Shawkānī, Mohammad (1414 AH). *Fath al-Qadir*, Damascus: Dar Ibn Kathīr. [In Arabic]
33. Tabātabā'ī, Mohammad Hossein (1390 AH). *Al-Mīzan*, Beirut: Al-'Ālamī Publishing House. [In Arabic]

34. Tabrisī, Fadl bin Hassan (1993). *Majma' al-Bayan*, Tehran: Naser Khosrow Publications. [In Arabic]
35. Tabarī, Mohammad bin Jarūr (1412 AH). *Jāmi' al-Bayan fī Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Ma'rafa. [In Arabic]
36. Turaihī, Fakhr al-Din bin Mohammad (1996). *Majma' al-Bahrain*, [researched by Ahmed Oshkouri,] Tehran: Mortazavi Publishing. [In Arabic]
37. Tousī, Mohammad bin Hassan (nd). *Al-Tibyān fī Tafsir al-Qur'an*, [Edited by Ahmad 'Āmilī,] Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
38. Tayyib, Abdul Hossein (1990). *Atyab al-Bayan fī Tafsir al-Qur'an*, Tehran: Islamic Publications. [In Persian]
39. Fakhr Razi, Mohammad Ibn Omar (1420 AH). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafātīh al-Ghayb)*. Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
40. Farāhīdī, Khalil bin Ahmad (1409 AH). *Kitab al-'Ayn*, Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
41. Fazlullah, Mohammad Hossein (1419 AH). *Min Wahy Al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Milāk. [In Arabic]
42. Qara'ati, Mohsen (2009). *Tafsir e Noor*, Tehran: Publications of the Cultural Center of Lessons from the Qur'an. [In Persian]
43. Qurashi, Ali Akbar (1996). *Tafsir Ahsan al-Hadith*, Tehran: Be'that Foundation. [In Persian]
44. Qurtubī, Mohammad bin Ahmad (1985). *Al-Jāmi' li Ahkām al-Qur'an*, Tehran: Naser Khosrow Publishing. [In Arabic]
45. Qounawī, Ismail bin Mohammad (1422 AH). *Hāshīyat al-Qounawī 'alā Tafsir al-Imam al-Baydāwī*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
46. Kāshānī, Fathullah (nd). *Manhaj al-Sādiqīn*, Tehran: Islamic Bookstore. [In Arabic]
47. Mawirdī, Ali bin Mohammad (nd). *Al-Nukat wal-'Uyoun*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
48. Marāghī, Ahmad Mustafa (nd). *Tafsir al-Marāghī*, Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
49. Mostafavi, Hassan (1989). *Al-Tahqīq fī Kalimāt al-Qur'an al-Karīm*, Tehran: Islamic Culture and Guidance Publications. [In Arabic]
50. Mughnīyah, Mohammad Jawad (1424 AH). *Tafsir al-Kāshif*, Qom: Dar al-Kutub al-Islāmīya. [In Arabic]

51. Muqātil bin Suleiman (1423 AH). *Tafsir of Muqātil bin Suleiman*, [researched by Mahmoud Shahate,] Beirut: Dar 'Ihyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
52. Makarem Shirazi, Naser (1992). *Tafsir e Nemooneh*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīya. [In Persian]
53. Mousavi Sabzevari, Abd al-Ala (1409 AH). *Mawāhih al-Rahman fī Tafsir al-Qur'an*: NP. [In Arabic]
54. Mousavi Hamdani, Mohammad Baqer (1995). *Translation of Tafsir al-Mīzān*, Qom: Qom Seminary Teachers Association Publications. [In Persian]
55. Meybodī, Ahmed bin Muhammad (1992). *Kashf al-Asrār (Tafsir of Khaje Abdullah Ansari)*. fifth ed. Tehran: Amir Kabir Publishing House. [In Persian]
56. Neishabourī, Mahmoud bin Abul Hasan (1415 AH). *Ījāz al-Bayan 'an Ma'āni al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [In Arabic]
57. Hashemi Rafsanjani, Akbar (2004). *Farhang Qur'an*, second ed. Qom: Boostan-e Kitab. [In Persian]